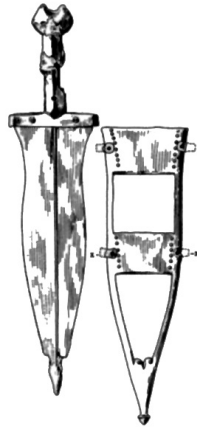


لژیونر





Matyszak, Philip

سرشناسه: ماتیزاک، فیلیپ
عنوان و نام پدیدآور: لژیونر: کتاب راهنمای سرباز رومی/فیلیپ ماتیشاک؛ ترجمه فرید جواهر کلام.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.: مصور (بخشی رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۰۸۱-۲

وضعیت فهرست نویسی: فنیبا

یادداشت: Legiary: the Roman soldier's manual, 2009. عنوان اصلی:

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: علوم نظامی — روم

موضوع: سربازان — روم

موضوع: روم — تاریخ نظامی

موضوع: روم — ارتش — زندگی سربازی

موضوع: روم — ارتش — سازمان

شناسه افزوده: جواهر کلام، فرید، ۱۳۰۴، مترجم

رده‌بندی کنگره: U ۳۵/۴۸۲ ۱۳۹۲

رده‌بندی دیویی: ۳۵۵/۰۰۹۳۷

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۳۸۱۹۵۶

لژیونر

کتاب راهنمای سرباز رومی

فیلیپ ماتیشاک

ترجمه فرید جواهرکلام



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Legionary
The Roman Soldier's Manual

Philip Matyszak
Thames & Hudson, 2009



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶۴۰۸۶۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

فیلیپ ماتیشاک

لژیونر

کتاب راهنمای سرباز رومی

ترجمه فرید جواهرکلام

چاپ اول

۱۵۰۰ نسخه

۱۳۹۴

چاپ شمشاد

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۰۸۱-۲

ISBN: 978-600-278-081-2

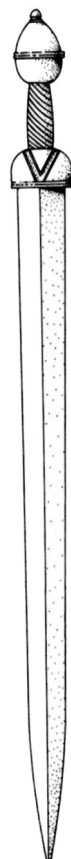
www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۲۱۰۰۰ تومان

فهرست

۱. ملحق شدن به ارتش روم..... ۷
۲. راهنمایی برای سربازگیری آینده یک لژیون ممتاز..... ۲۱
۳. بدیل حرفه سپاهیگری..... ۴۵
۴. لوازم و تجهیزات لژیونر..... ۷۱
۵. آموزش، انضباط و منصب..... ۹۹
۶. آدم‌هایی که می‌خواهند شما را بکشند..... ۱۳۱
۷. زندگی در اردوگاه..... ۱۶۳
۸. در عرصه نبرد..... ۱۸۳
۹. چگونه می‌توان به شهری یورش برد..... ۲۱۱
۱۰. جنگ..... ۲۳۵
۱۱. نتیجه..... ۲۶۱
- نقشه امپراتوری روم..... ۲۸۰
- واژه‌نامه..... ۲۸۲
- برای مطالعه بیش تر..... ۲۸۶
- منابع تصاویر..... ۲۸۸
- نمایه..... ۲۸۹



ملحق شدن به ارتش روم

به لژیون‌ها ملحق شوید، گرداگرد جهان گردش کنید، به سرزمین‌های خارجی سفر کنید، با مردمان بیگانه و جالب توجه ملاقات کنید و شکم آن‌ها را بدرید.

روم به شما نیاز دارد!

در این سال، یعنی سال ۱۰۰ میلادی، یکی از نخستین سال‌های سلطنت امپراتور مارکوس اولپیوس نروا ترايانوس (که بعدها به تریان معروف شد)، امپراتوری روم حد و مرزی نمی‌شناسد. مرزهای کشور ما از یک سو به صحراهای ماورای پالمیرا می‌رسد و از سوی دیگر به صخره‌ها و هوای مه‌آلود بریتانیا. با این همه، در هر کجای روم مخاطراتی وجود دارد. درون حصار امپراتوری را عناصر مخرب و توطئه‌گرهای سیاسی و نیز طغیان فرا گرفته است، بربرهای وحشی پیوسته برای ضربه زدن به امپراتوری به مرزها هجوم می‌آورند، و قدرت نیرومند و غیور پارت‌ها [ایرانیان] سراسر بخش شرقی را تهدید می‌کند. علیه این خطرهای چندگانه دو برج عظیم

مارکوس اولیوس نروا ترایانوس،
ایمپریټور^۱ اوپتیموس، فرمانروای روم،
سرور جهان شناخته شده و سپهسالار
[فرمانده کل قوا] شما. در این تصویر
او را می بینیم که زره بر تن دارد و یکی
از بازوایش مزین به جامه سرخ رنگ
ژنرالی است. وی در سال ۵۳ میلادی
در هیسپانیا باثیکا (اسپانیا) به دنیا
آمد، ترایان از سال ۹۸ میلادی به بعد
امپراتور روم شد. سلطنت و فرمانروایی
وی طولانی و خجسته باد.

۱. عنوانی که در روم باستان در آغاز به
سپهسالاران و بعداً به امپراتوران داده
می شد. — م.



ایستاده‌اند — خرد و انرژی امپراتورمان، و قدرت ارتش روم، که برای همیشه وفادار است و از مردم روم محافظت و به آنان خدمت می‌کند.

هرگز چنین فرصت مطلوبی برای پیوستن به ارتش روم وجود نداشته است. از زمان امپراتوری آوگوستوس تاکنون سه نسل پی‌درپی چنین ارتشی را حرفه‌ای و کارساز نگه داشته‌اند، نظام ارتشی این امپراتوری موفق شده خونریزترین و پیشرفته‌ترین نیروی جنگی‌ای را که جهان تاکنون به خود ندیده است به وجود آورد. هر موضوعی با دقت رومی سازماندهی شده است، از زمان یک سربازگیری ساده تا زمانی که [همین سرباز] به سن بازنشستگی می‌رسد (یا به جای مقام بازنشستگی تشییع جنازه‌ای شایسته برایش ترتیب داده می‌شود). (به زبان نظامی)، پس از چهل سال [نبرد] با بریتانیایی‌های جسور، ارتش روم به طور کامل آن‌ها را مقهور ساخت که خود یکی از بخش‌های جالب توجه امپراتوری گردید و ارتش روم با جوراب‌های خیس [بر اثر گذر از جزیرهٔ مرطوب بریتانیا] جنگ را به پایان رسانید. توجه امپراتوری به جانب قلمرو دردسرساز داکیا، آن‌سوی رود دانوب معطوف شد. و پس از آن نوبت می‌رسید به مواجههٔ نهایی با پارت‌ها در بیابان‌های شنی در ناحیهٔ بین‌النهرین.

ارتش روم صاحب پیشرفته‌ترین و نیرومندترین سلاح‌ها و تجهیزات در سراسر جهان است، به نحوی که این ارتش از نظر قدرت مانور و قدرت آتشین و حفاظت، نظیر ندارد. یک لژیونر می‌توانست خانه‌اش را در یک پایگاه ارتشی در هر کجای امپراتوری بنا کند، که در آن هم زندگی می‌کرد و هم برای مواقعی که جنگی درمی‌گرفت، آموزش می‌دید. در یک سربازگیری مناسب، سازمان ارتش می‌توانست برای افراد مسیر،

فرصت‌های شغلی و مقرری مناسب جهت ۲۵ سال آینده‌شان تعیین کند. این کتاب راهنما توضیحات دقیقی از آن سال‌ها بیان می‌دارد، این‌که افراد چگونه و از کجا به خدمت ارتش درمی‌آیند، نیز در مورد مشکلات تمرین، پوشش زرهی و آموزش سربازان.

این کتاب راهنما شیوه‌های زنده ماندن در جنگ و زندگی در اردوگاه، و در نهایت زندگی آرام و مرفه دوران بازنشستگی پس از به سر آمدن روزه‌های جنگ را برای شما بازگو می‌کند.

چه کسانی می‌توانند به خدمت ارتش درآیند؟

بدون ارتش رومی، روم وجود نمی‌داشت. سرباز بودن یکی از پرافتخارترین سنت‌های شهری است. بیش‌تر امپراتوران روم در آغاز سرباز بوده‌اند، و در روزه‌های دوران جمهوری، سیاستمداران اندکی بوده‌اند که موفق گردیدند بدون رویارویی با دشمنان روم و کسب پیروزی در جبهه جنگ، رأی بیاورند و به مقامات عالی سیاسی برسند. رومولوس، کینکیناتوس، کاتوی کنسور، و بالاخره سیسرون همگی یک دوران نظامی را طی کرده بودند. مردانی که افراد نامبرده بر آنان فرماندهی می‌کردند شهروندان رومی و به‌ویژه شهروندان اصیلی بودند؛ راه رسیدن به مناصب ارتش روم به روی بردگان، جنایتکاران و افراد شریر بسته بود — و حالا هم بسته است.

چنین نوشت هوراس شاعر که خود یک روستایی‌زاده بود و در لژیون‌ها خدمت کرده بود. هرچند که هوراس به طرز شرم‌آوری حرفه نظامی خود را به پایان رسانید، بدین گونه که در جنگ فیلیپی در سال ۴۲ پیش از میلاد سپرش را از دست داد و برای نجات جان‌ش گریخت، هرچه بود امتیازی در خدمات خود کسب کرد. سربازانی که برای خدمت لژیونری انتخاب

می شدند به سه گروه تقسیم می گردیدند — آن هایی که به عنوان غیر داوطلب نام نویسی می کردند (لکتی)، آن هایی که فقط تمایل داشتند داوطلب شوند (ویکاری ای)، و بالاخره آن هایی که از صمیم قلب می خواستند به ارتش ملحق شوند (ولونتاری ای). افسران لژیونر که مأمور سربازگیری بودند همیشه آرزو می کردند سیلی از جوانان ایتالیایی واقعاً داوطلب که جسم و روحی سالم و نیرومند داشتند به دروازه های سربازخانه هجوم آورند. برای آنان که در اندیشه اند تا دو دهه یا بیش تر از عمر خود را زیر سایه عقاب روم خدمت کنند، در زیر فهرست وار به آنچه مورد نیاز است اشاره می شود.

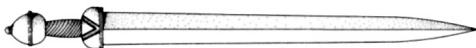
تابعیت رومی

در دوران های سخت و بحرانی، بردگان و نیز خارجی های سربازگیری شده

صلح رومی^۱

دنیای شناخته شده اکنون وارد یک دوره بی سابقه صلح و دوستی می شود، دوره ای که نسل های بعدی آن را دوران «صلح رومی» نام نهادند. این «صلح» بدان معنی نیست که لژیونرها بیش تر اوقات خود را در راه کشتن و کشته شدن به دست دشمنان روم در خارج از مرزها صرف نمی کردند، بلکه درون امپراتوری پیمانی بین روم و شهروندانش بسته شد که به موجب آن شهروندان طغیان و سرکشی نکنند، در مقابل لژیونرها هم تعهد کردند که شهرها را به آتش و مردم آن را نیز به صلیب نکنند. چنین سیاستی کارساز است، ولی نیاز به آن دارد که امپراتور تا حدی مهارت و کاردانی داشته باشد، مانند همان امپراتورانی که یک قرن بعد روم را با این صفات شکوفا ساختند. حتی نیک اندیش ترین امپراتورها محتاطانه به آن دسته از افراد ذاتاً در دسرساز اجازه دادند که یک یا دو لژیون را در فواصل بسیار دور برای غارت و چپاول در اختیار داشته باشند.

1. Pax Romana





صحنه‌ای از سربازگیری برای لژیونر شدن. مأمور سربازگیر رومی، آخرین نفر در قسمت راست تصویر، همیشه انتظار چنین ازدحامی را برای ثبت‌نام دارد و این که نفراش (در این جا ستون ترایان نشان داده شده است) تازه نفس، تندرست و مشتاق ثبت‌نام برای خدمت در لژیون رومی به مدت ربع قرن باشند. بردگان فراری یا جنایتکاران تحت تعقیب در چنین صفی باید در انتظار طرد شدن و گوشمالی دادن باشند.

هیچ جوانی که از پدر و مادری بی‌عار و بی‌کار و شریر زاده شده بود، اجازه نداشت که دریا را با خون کارتاژها آلوده و لکه‌دار کند، و نیز مجاز نبود که پایروس و آنتیوخوس قدرتمند یا هانیبال شریر را بر زمین افکند و شکست دهد. نه، آنان که مجاز بودند از اولادان سربازان روستایی ساده بومی بودند، مردان جوانی که آموزش دیده بودند تا زمین را با بیل‌های کهن باستانی شخم زنند و الوار تراشیده‌شده از درختان را بر دوش حمل کنند، فقط به خاطر خوشایند مادری سختگیر.

هوراس، اودس، کتاب سوم، بخش ششم

می توانستند وارد لژیون ها شوند. در حال حاضر چنین نیست. یک پُرگِرنوس (غیر شهروند) اگر می خواست وارد ارتش شود می بایست یک دوره کمکی را طی می کرد. اگر برده ای تلاش می کرد که وارد ارتش شود، برای این گستاخی او را برای کار در معدن می فرستادند یا حتی به اعدام محکومش می کردند.

وضع افراد مجرد

در این زمان سرباز رومی حق ازدواج کردن ندارد. ولی اگر مردی از زندگی زناشویی خود ناخشنود باشد، اجازه دارد که به لژیون ها پناه ببرد. ازدواج رومی بیش تر پیوندی عرفی است تا آیینی مذهبی و مقدس، بدین ترتیب پیوستن به ارتش به نوعی کناره گیری یکطرفه از زندگی مشترک به منظور طلاق محسوب می شود. ضمناً زنان و خواجهگان نیز به استخدام ارتش در نمی آیند؛ زندگی در لژیون موضوعی است مردانه.

بدنی کامل و سالم

ارتش روم خواهان آن است که از گروه قصاب ها، آهنگرها یا دروگران حرفه ای که آرزوی محصول بسیار زیادی دارند، سرباز استخدام کند. هنگامی که چنین افرادی را استخدام می کردند انگشتان دست های آنان را به دقت می شمردند. فقدان انگشت سبابه یا شست نشانه ناتوانی وی بود. مواردی شرم آور از یک دیلکتوس (نام نویسی اضطراری) مشاهده شده بود که چند انگشت فرد بریده می شد تا در سربازگیری پذیرفته نشود. چنانچه بریده شدن عمدی انگشتان فرد اثبات شود، مجازات سختی در انتظارش است.

قدی دست کم پنج پا و ده اینچ [حدود ۱۸۰ سانتیمتر]

یادتان باشد که یک پای [واحد طول] رومی یک سوم اینچ کوتاه تر از واحد

پایی است که امروزه در دنیا معمول است. مختصر آن که قد یک لژیونر باید مطابق عنوان بالا باشد. اما ممکن است استثنائاتی هم قائل شوند، مثلاً برای افراد درشت‌هیکل یا خوش‌هیکل.

قدرت بینایی خوب

تریفون فرزند دیونوسیوس... به علت ضعف بینایی بر اثر نوعی بیماری چشمی توسط گنایوس ورگیلیوس کاپیتو از لژیون اخراج شد. معاینه در شهر اسکندریه انجام شد. [گواهی آن] در دوازدهمین سال سلطنت تیبریوس کلاودیوس قیصر آوگوستوس گرمانیکوس در داروخانه شماره ۲۹ آن شهر تأیید شد.

اطلاعات فوق از پرونده‌ای است مربوط به خدمات ارتشی در تاریخ ۲۴ آوریل سال ۵۲ میلادی.

اخلاق پسندیده

ارتکاب جرمی کوچک در گذشته شخص امکان بخشش دارد، ولی اگر کسی بخواهد برای فرار از کیفر جرمی بزرگ به ارتش بپیوندد، بی‌بربرگرد پردش می‌کند، و به همین ترتیب است وضع کسانی که بخواهند خدمت در ارتش را وسیله‌ای برای فرار از تبعیدشان قرار دهند. در این زمان خدمت در لژیون خود امتیاز است. حال این که خدمت خوب شروع شود یا بد، بستگی به عوامل گوناگون دارد، همان گونه که سایر امور زندگانی در روم و رابطه‌های شخصی چنین حالتی دارند. این که چه کسی و در چه زمینه‌هایی فردی را برای سربازگیری معرفی می‌کند موضوعی است که مربوط می‌شود به وضع آینده شغلی که پس از سربازگیری به شخص واگذار می‌شود.

توصیه‌نامه

توصیه‌نامه نخستین گام ضروری ورود به سربازگیری و لژیون است، و هر کسی که قصد ورود به ارتش را دارد باید این نکته یعنی کسب توصیه‌نامه را مهم‌ترین بخش برنامه ورود خود بداند: گرفتن یک نامه سفارشی از یک مقام عالیرتبه، هرچه بالاتر، بهتر. در زندگی رومی داشتن توصیه‌نامه برای موقعیت‌های گوناگون، امری عادی است. نویسنده توصیه‌نامه ورود به ارتش آبرو و اعتبار خود را در آن به گرو می‌گذارد. توصیه‌نامه از طرف کهنه‌سربازی خدمت کرده، بدون هیچ شگفتی و با کمال میل پذیرفته می‌شود، به‌ویژه اگر نویسنده شخصی باشد که در همان گروهانی که داوطلب می‌خواهد وارد آن شود، قبلاً خدمت کرده باشد. نکته مهم دیگر در پذیرفته شدن داوطلب در لژیون، میزان نیاز آن لژیون به داوطلب در همان زمانی است که وی نام‌نویسی می‌کند. طبق نوشته یونان، طنزنویس مشهور، بودن در مکان درست و در زمان درست بسیار ارزشمند است.

اگر لژیون نیاز به داوطلب نداشت، آن‌ها می‌توانند در سازمان‌های وابسته به ارتش یا حتی در نیروی دریایی، حرفه‌ای برای خود بیابند. هنگامی که تعداد داوطلبان بیش از اندازه زیاد باشد، کسانی که بهترین توصیه‌نامه را داشته باشند بهترین پست را می‌گیرند. یکی از توصیه‌کنندگان در توصیه‌نامه خود خطاب به افسری که قبلاً از دوران خدمات نظامی خود او را می‌شناخته، درباره داوطلب مربوطه چنین می‌نویسد: «این نامه را محکم در مقابل صورتت نگه دار و تصور کن آن مرد من هستم و با او صحبت کن.»

سپس چه اتفاقی خواهد افتاد؟

دوران آزمایش

پس از آن‌که داوطلب توصیه‌نامه را به دست آورد — نخستین سلاخی که

ترایان تصمیم می‌گیرد

نامه‌ای از پلینی (فرماندار بیتینیا در آسیای صغیر) به امپراتور ترایان: «این مرد جوان برومند و شایسته یعنی سمپرونیوس کایلینوس کشف کرده که در میان داوطلبان لژیونر دو برده وجود دارند، آنان را نزد من فرستاده است. ولی من تعیین تکلیف آن‌ها را تا مشورت با شما به تعویق انداخته‌ام، شما که تنظیم‌کننده و نگهدارنده انضباط ارتش هستید، در مورد تنبیه مناسب وضع آنان چه تصمیمی می‌گیرید؟»

نامه‌ای از ترایان به پلینی: «در ارتباط با قوانین و فرامین من، سمپرونیوس کایلینوس با فرستادن این افراد نزد شما برای تعیین تکلیف، به صورتی شایسته عمل کرده است. ظاهراً آنان مستوجب تنبیهی جدی هستند. ولی نکته این‌جاست که باید تحقیق به عمل آید تا روشن شود این بردگان به میل خود و داوطلبانه نام‌نویسی کرده و وارد لژیون شده‌اند یا این‌که افسران مربوطه انتخابشان کرده‌اند، یا اصولاً آنان را جانشین افرادی کرده‌اند که به خدمت احضار شده بودند. اگر آن‌ها را انتخاب کرده‌اند، افسر مربوطه گناهکار است؛ اگر آن‌ها را جانشین افراد دیگر کرده‌اند، خطا و گناه بر گردن کسانی است که دست به چنین کاری زده‌اند، ولی اگر با اطلاع از قوانین مربوطه در این زمینه آن‌ها داوطلبانه و به میل خود نام‌نویسی کرده‌اند، تنبیه باید در مورد آنان اجرا شود. این موضوعی که آنان هنوز وارد هیچ لژیونی نشده‌اند از جرم آنان چیزی نمی‌کاهد، زیرا آن‌ها می‌بایستی به محض آن‌که شایسته خدمت در ارتش شناخته شدند، اطلاعات صحیحی در مورد خود می‌دادند.»

پلینی جوان، نامه‌هایی به ترایان

داوطلب برای خدمت در ارتش نیاز دارد — گام دوم آماده شدن برای مصاحبه است؛ پروباتیو. پروباتیو دقیقاً همان چیزی است که از نامش برمی‌آید. این



ای گالیوس، چه کسی می‌تواند منافع یک حرفه ارتشی موفقیت‌آمیز را اندازه‌گیری کند؟ امیدوارم زمانی که دروازه‌های سربازخانه از من در مقام داوطلبی و حشرتزده استقبال می‌کنند، زیر یک طالع و ستاره سعد باشم، که یک لحظه از طالع و ساعت راستین نیک، بسیار گرانبهاتر از توصیه‌نامه‌ای است که ستاره زهره به مریخ بنویسد یا خود شخص از مادرش یونو [ملکه خدایان] دریافت کند...

یونوال، طنزها، ۱۶ (۱-۶)



خود نوعی آزمایش است؛ مراسم سوگند یاد کردن است که در حضور لژیونر آینده انجام می‌شود. پس از سوگند خوردن او را به واحد مربوطه می‌فرستند. هدف از اجرای پروباتیو آن است که مطمئن شوند آیا این داوطلب همان آدمی است که خود ادعا دارد یا خیر، و همچنین بررسی قدرت بدنی او که آیا تحمل اجرای کارهایی را که در ماه‌ها و سال‌های آینده از او انتظار می‌رود دارد یا خیر. توصیه‌نامه داوطلب با دقت زیاد بررسی خواهد شد و مصاحبه‌گران اگر لازم باشد در این زمینه تحقیق خواهند کرد. در نتیجه کسانی که با تمهیدات تقلبی وارد شده‌اند (مانند موردی که پلینی در مورد آن دو برده ارائه داشت) ممکن است از مرحله اولیه تنبیه بگذرند، ولی بعداً اندک‌اندک الهه انتقام بوروکراسی رومی گریبان آن‌ها را می‌گیرد.

مراسم سوگند

اگر افسر مصاحبه‌کننده هیچ عیبی در کار داوطلبان مشاهده نکرد، آنان را به صف می‌کند تا سوگند ارتشی اجرا شود. تا قبل از شروع مراسم، داوطلب آدمی معمولی است [غیرنظامی]، آزاد و مختار در کارهای خویش و می‌تواند بدون هیچ دروسری مانند خرگوشی وحش‌زده از سربازخانه بگریزد. اما پس از ادای سوگند او دیگر سرباز قیصر است، گریختن یعنی نابودی به دنبال تنبیهی وحشتناک (نگاه کنید به بخش انضباط، صفحه ۱۰۶). لحظه‌ای تفکر در این مرحله، پیشنهاد خوبی است. آنچه در چند دقیقه پس از ادای سوگند اتفاق می‌افتد، سرنوشت شما را در ۲۵ سال آینده یا تا آخر عمر رقم می‌زند — هر کدام که کوتاه‌تر باشد.

«داوطلب شماره یک، یک قدم به پیش. سوگند یاد کن به خدایان

گوناگون و نیز به عهده‌های ناگسستنی، که از فرماندهت اطاعت خواهی کرد به هر جایی که تو را هدایت کند. بی‌هیچ پروبرگردی و مشتاقانه از فرمان‌هایی که به تو داده می‌شود اطاعت می‌کنی. تو قوانین مدنی روم را در مورد حفاظت از غیرنظامیان کنار می‌گذاری، در عوض قدرت فرماندهانت را می‌پذیری که می‌توانند فرمان دهند در صورت نافرمانی یا ترک خدمت، بدون محاکمه به اعدام محکوم شوی. تو قول می‌دهی که تحت معیارها، به مدتی که برای خدمت تعیین شده خدمت کنی و پیش از آن‌که فرماندهت مرخصت نکرده محل خدمت خود را ترک نکنی. تو وفادارانه به روم خدمت خواهی کرد، حتی به بهای جان، و تو در رابطه با غیرنظامیان و همقطارانت در اردو به قانون احترام خواهی گذاشت. به تو تبریک می‌گویم. هم‌اکنون تو یک سرباز رومی هستی. نفر بعدی!»

داوطلب دوم ممکن است تمام سوگند را تکرار کند، ولی اگر تعداد داوطلبان زیاد بود، پس از آن‌که داوطلب اول تمام سوگند را به طور کامل ادا کرد، نفرات بعدی به نوبت یک گام پیش می‌آیند و می‌گویند: «ایدم این مه: تمام این موارد شامل من هم می‌شود.»

بررسی ودقت

پس از اتمام مراسم سوگند، تمام لژیونرها به دقت شناسایی می‌شوند. یعنی این‌که نامشان با هر اثر و جای زخم یا نشانه مشخص ثبت می‌شود تا در صورت فرار بتوان آن‌ها را از میان غیرنظامیان شناسایی کرد یا در میدان جنگ جسدشان از میان دیگر اجساد شناسایی و بیرون آورده شود.



نامه از طرف س. مینوکیوس ایتالوس به سلسیانوس: ... نام شش داوطلب در دفتر

ثبت شد. نام آنها و علامت هویتشان به قرار زیر است: ... م. آنتونیوس والنس / ۲۲ ساله / اثر زخم در قسمت راست پیشانی / [و غیره. فهرست بقیه داوطلبان طولانی می‌شود.] به وسیله پریسکوس درجه سینگولاریس دریافت شد. آویدوس آریانوس... از گروهان سوم، تأیید می‌کند که نسخه اصلی وارد دفتر ثبت این گروهان شده است.

از پاپیروس‌های اوکسورهنخوس، ۱۰۲۲

سند فوق از بخش دوم پرونده دائم‌التزایدی است که همیشه در طول خدمت همراه لژیونر خواهد بود. اداره مربوطه از این اسناد برای حفظ هویت سربازان محافظت خواهد کرد، و در عین حال این مشخصات بر روی یک سیگناکولوم (پلاک کوچک تعیین هویت) نوشته خواهد شد که لژیونر آن را دریافت می‌کند و با کمک زنجیر یا رشته‌ای به گردنش می‌آویزد. سیگناکولوم یک صفحه کوچک سربی است که برای سرباز همان کاری را انجام می‌دهد که علامت مخصوص اعضای یک گروه از سربازان انجام می‌دهد. این روزها سیگناکولوم برای نشان دادن اصل و نسب، یا برده بودن استفاده می‌شود، ولی اگر فردی غیرنظامی برای نشان دادن این دو منظور چنین علامتی را به کار برد، ظاهراً کار عاقلانه‌ای نکرده است، به همین ترتیب هم سربازان در حضور دیگران از این علامت استفاده نمی‌کنند.

در راه خدمت

گروه کوچکی از سربازان واحد سربازگیری آماده‌اند تا داوطلبان جدید را به منازل جدیدشان راهنمایی کنند، یا این که به آنها دستوراتی می‌دهند که خود به محل خدمتشان بروند. سربازخانه مورد نظر ممکن است در نقطه بسیار دوری از محل سربازگیری قرار گرفته باشد، در چنین موردی سربازان، ویاتیکوم — خرج سفر — دریافت می‌کنند تا این مسیر را طی کنند. اگر این

سربازان به همراه افسری از واحد جدیدشان باشند، این خرج سفر را به دست وی می سپارند، زیرا او قبلاً این راه را طی کرده است، او می داند بهترین محل برای توقف کجاست و هزینه سفر چگونه مصرف شود. پس از رسیدن به مقصد، پول باقیمانده از خرج سفر به حساب سربازان واریز می شود.

در مورد سربازان تنها یا گروه داوطلب کوچک که دیگر نیازی به افسر راهنما و همراه ندارند، خرج سفر به خودشان داده می شود و آن‌ها مختارند که اشرافه سفر کنند و همه پول‌ها را خرج کنند و دست خالی به مقصد برسند، یا این که به خود زحمت صرفه جویی بدهند و بی خوابی بکشند و در عوض با پول توجیبی [باقیمانده هزینه سفر] قابل توجهی به مقصد برسند. و این سرآغازی ارزشمند برای زندگی لژیونری است. همان‌طور که خواهیم دید، انتخاب یکی از این دو شق زیاد اتفاق افتاده که یا لژیونر راحتی سفر را ترجیح دهد یا دندان‌هایش را به هم فشار دهد^۱ و چیزی برای دوران بازنشستگی بگذارد.

ورود به یک واحد نظامی جدید چیزی است که هیچ سربازی هرگز فراموش نخواهد کرد؛ خانواده جدیدی که وی باید ۲۵ سال آینده را در آن به سر ببرد.

نامه لونگینوس لونگوس، رهبر گروهان یکم لوسیتانیان، به تیتولیوس لونگینوس کنتوریون^۲: من مبلغ ۴۲۳ دناری و ۲۰ اوبول در دست دارم که باقیمانده خرج سفر ۲۳ داوطلب است که آن‌ها را به این محل رسانده‌ام. در تاریخ ششم تحوت [سوم سپتامبر] مصادف با بیست و یکمین سال سلطنت قیصر عالیمقام، سرور ما ترایان.

به نقل از یک پاپیروس مصری، سال ۱۱۷ م

۱. کنایه از طاقت آوردن. — م.

۲. فرمانده گروه یکصدنفری. — م.

راهنمایی برای سربازگیری آینده یک لژیون ممتاز

حرفه‌ای‌ها قابل پیش‌بینی‌اند. جهان پر است از آماتورهای خطرناک.

نظری کوتاه به تاریخچه ارتش روم

هنگامی که در نظر آریم عمر [امپراتوری] روم حدود هفتصد سال بوده است، آن‌گاه کم و بیش شوکه می‌شویم وقتی بفهمیم که دولت این سرزمین در مدتی کم‌تر از یک‌پنجم این دوران، ارتشی حرفه‌ای و تمام‌عیار داشته است. پیش از آن، برای یافتن یک سرباز رومی کافی بود که شما فقط سری به خیابان بزنید و هر مرد رومی را که بدنی سالم و نیرومند داشت متوقف کنید. به احتمال قوی این مرد ظرف چند ماه گذشته در خدمت ارتش بوده و در پایان دوره جنگ به اتفاق فرماندهش — که او نیز از رومیان بوده — به شهر خود بازگشته است.

پانصد سال پیش از میلاد

در این زمان سرباز شدن بسیار آسان‌تر بود، زیرا دشمنان روم، محلی

بودند. مثلاً در زمانی که روم با قوم اتروسک‌ها می‌جنگید، پاره‌ای از افسران ارتش می‌توانستند به سوی خانه فرار کنند و شام را در منزل بخورند. عملیات جنگی در بهار آغاز می‌شد و در آن هنگام افراد برای سربازی نام‌نویسی می‌کردند، و در پاییز به پایان می‌رسید و ارتش منحل می‌شد، به گونه‌ای که سربازان می‌توانستند به خانه‌هایشان برگردند و در کار دروی محصولات کمک کنند. هر سرباز رومی یک شهروند به حساب می‌آمد — و عکس آن هم صادق بود. هنگامی که شهروندان گرد هم می‌آمدند تا برای انتخاب رهبر خود رأی بدهند، این کار را در میدان مریخ انجام می‌دادند که در سازمان ارتش روم واقع شده بود. با یک حساب سرانگشتی، ارزش یک رأی هم‌تراز تجهیزات ارتشی خود رأی‌دهنده بود. نخستین رأی‌دهندگان سوارکاران بودند. از آن‌جا که اسب‌ها سنگین‌وزن بودند، رأی آن‌ها بسیار مهم بود. پس از آن‌ها نوبت به رأی‌دهندگان طبقه اول می‌رسید — یعنی کسانی که می‌توانستند زره سنگین، شمشیر و سپر فراهم کنند. روشن است که اینان شهروندان محترمی بودند که می‌بایستی از آنان اطاعت می‌شد — خصوصاً این‌که مالکیت چنین تجهیزات جنگی‌ای به معنای آن بود که زمانی که این شهروندان گرفتار می‌شدند، مقامات بالاتر به شکایات آنان رسیدگی می‌کردند. نتیجه دیگر این روش رأی‌گیری آن بود که حاصل اکثریت آرا با تصمیم سوارکاران و طبقه اول جامعه تعیین می‌گردید، آن هم در برابر توده مردمی که سلاحشان در جنگ‌های مورد نظر فلاخن بود و چوب‌های دراز نوک‌تیز [به جای نیزه]. (و اجرای این رأی‌گیری به باور سوارکاران و طبقه اول جامعه هیچ کار ناشایستی نبود.)

سیصد سال پیش از میلاد

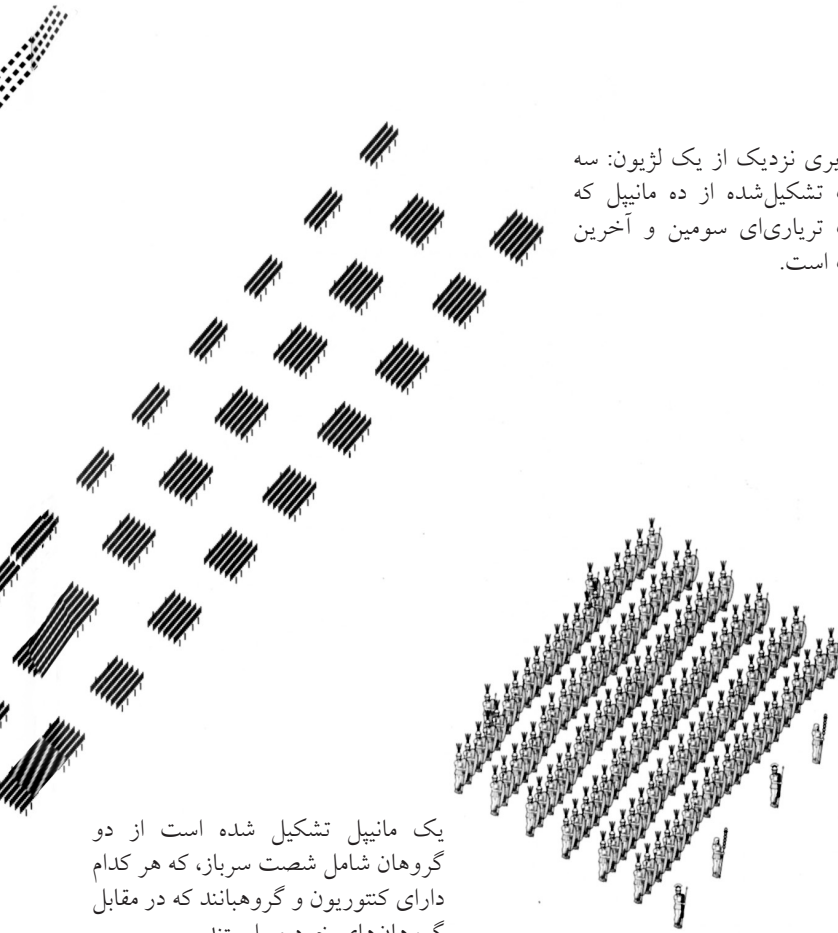
واحد اصلی و اساسی ارتش روم فالانکس بود: گروهی به هم پیوسته از مردان نیزه‌دار. ولی این واحد بزرگ غیرقابل مانور، برای تعقیب قبایل پیوسته در حرکت گرداگرد کوه‌های ایتالیا کافی نبود، بنابراین در قرن چهارم پیش از میلاد ارتش روم به تشکیل مانپل دست زد. مانپل تشکیل می‌شد از گروهی سرباز پیاده (نام این گروه از واژه لاتینی manus به معنای «دست» گرفته شده)، یا دقیق‌تر بگوییم تعداد ۱۲۰ سرباز پیاده. این گروه از سربازان به سه درجه تقسیم می‌شدند:

اول هاستاتی، که خط مقدم مانپل بود، تشکیل می‌شد از سربازان کم‌تجربه که چندان شجاعتی هم نداشتند، و آن‌قدر جوان بودند که برای جانشان ارزش چندان قائل نبودند. سربازان این گروه از مانپل سلاحشان شمشیر بود و نیز سلاح دیگری که امروزه هم هنوز معمول است: اسلحه پرتاب‌شونده — نیزه سنگینی به نام پیلوم که پرتاب می‌شود و بُرد کوتاهی دارد.

دوم پرنسپس، این گروه برای جان خود ارزش زیادی قائل بودند، و با خشونت بسیار می‌جنگیدند، زیرا بر اثر تجربه می‌دانستند که پیروزی در جنگ بهترین ضمانتی بود که موجب می‌شد آن‌ها دوباره همسر و خانواده‌هایشان را ببینند. این سربازان نیز به‌سان گروه هاستاتی مسلح بودند، هرچند که زره آنان از کیفیت برتری برخوردار بود.

سوم تریاری‌ای، این گروه در قسمت پشت مانپل قرار می‌گرفتند و شامل کهنه‌سربازان از مدارس قدیمی بودند که با نیزه‌های بلند فالانکس می‌جنگیدند، و می‌شد روی آنان حساب کرد که هنگامی که تمام صفوف در هم می‌ریخت، آنان صف خود را محکم نگه دارند. به همین علت است که امروزه اصطلاح «کار به تریاری‌ای رسیده است» به این معناست که دیگر امیدی نیست [و به اصطلاح عامیانه باید زد به سیم آخر].

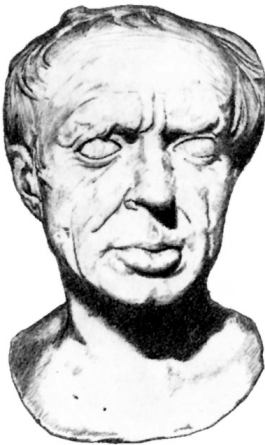
تصویری نزدیک از یک لژیون: سه صف تشکیل شده از ده مانپیل که صف تریاری ای سومین و آخرین صف است.



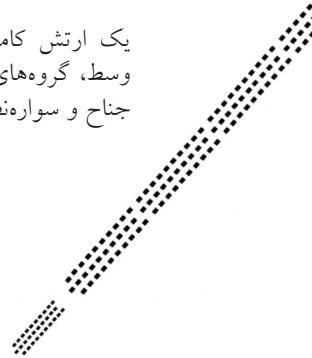
یک مانپیل تشکیل شده است از دو گروهان شامل شصت سرباز، که هر کدام دارای کتوریون و گروهبانند که در مقابل گروهان‌های خود می‌ایستند.

یکصد سال پیش از میلاد

نظام محافظه کار جمهوریخواهان را ژنرال عوام‌فریب گایوس ماریوس در هم شکست، ژنرالی که نومیدانه به سرباز نیاز داشت. در آن هنگام روم به جنگی توسعه طلبانه در نومیدیا دست زده بود و در عین حال خود را برای جنگی تدافعی با ژرمن‌ها [اقوام آلمانی] در شمال، آماده می‌کرد. ماریوس



یک ارتش کامل رومی، لژیونها در
وسط، گروه‌های کمکی در انتهای دو
جناح و سواره‌نظام در میان آنها.



بالا: مجسمه نیم‌تنه‌ای که به باور عموم
متعلق است به گایوس ماریوس.
تجدیدنظر ماریوس نه تنها بر ارتش روم
تأثیر گذاشت، بلکه تا مدت‌های مدید
آثاری نه همیشه مثبت بر تاریخ روم به
جای نهاد.

راست: بازسازی یک لژیون مانپل.
سازماندهی سربازان در صفوف فشرده
نیمه‌مستقل، به این لژیون انعطاف
حرکتی فوق‌العاده‌ای می‌دهد که اجازه
می‌دهد ارتش روم دشمنانی نیرومند
ولی انعطاف‌ناپذیر مانند سربازان نیزه‌دار
مقدونی را درهم بشکند.



سلسله‌مراتب قانونی را کنار گذاشت و دولت را مجبور کرد تا تجهیزات
نظامی تهیه کند. وی در عین حال سنت دادن کمک‌هزینه (آکوئیل) به هر
لژیون را رواج داد، نیز به هر لژیونی یک نشان عقاب داد که معرف ژوپیتر
[خدای خدایان] و نماد اصلی آنان بود. ماریوس هر لژیونی را بر اساس

گروهان^۱

یک گروهان از شش واحد یکصد نفری تشکیل می‌شود، و از آن‌جا که هر کدام از این واحدها تعدادشان از صد نفر به هشتاد نفر کاهش یافته، پس هر گروهان شامل ۴۸۰ سرباز می‌شود. ده گروهان ۴۸۰ نفری یک لژیون را تشکیل می‌دهد، که شامل ۶۰۰۰ سرباز است. آن‌هایی که قصد دارند از اجازه‌نامهٔ پرداخت پول به سربازان استفاده کنند تعداد افرادشان با رقم‌های مذکور یکی نیست، تعداد CDLXXX [۴۸۰] سرباز ضرب در عدد X [۱۰] گروهان، به تعداد MMMMMMM [۶۰۰۰] نفر نمی‌رسد. واحدهایی که تعدادشان به ۶۰۰۰ سرباز برسد گروهان اولیه تأمینشان می‌کند، که در حقیقت دو برابر نیروی یک واحد هشتصد نفری است. در واقع ۶۰۰۰ سرباز حداکثر تعداد نفرات است که شامل آشپزها و خدمتگزاران دیگر هم است. واقعیت آن است که لژیونها معمولاً کسر نیرو دارند، بدین معنی که ۴۸۰۰ نفر احتمالاً به تعداد سربازانی که به طور متوسط در یک لژیون هستند نزدیک‌تر است.

۱. واحدی نظامی در روم باستان، معادل یک‌دهم لژیون. —م.



نوع صحنهٔ نبرد آرایش جنگی داد که حتی تا امروز هم باقی مانده است.

هرچند ماریوس ژنرال خوبی بود، غالباً به نتیجهٔ تصمیماتش نمی‌اندیشید، و تغییراتی که او در سیستم ایجاد می‌کرد موقتاً اشکالات را رفع می‌نمود، ولی در آینده مشکلات بیش‌تری ایجاد می‌کرد. زمانی که دولت برای سربازان تجهیزاتی فراهم می‌آورد، کاستن روستاییان از ارتش آغاز می‌شد، زیرا در این زمان لژیونها نه‌تنها از روستاییان بلکه از تهیدستان شهری نیز استفاده می‌کردند. از آن‌جا که سربازان جدید شهری کار کشاورزی نداشتند، بسیاری از آنان کماکان در خدمت ارتش باقی می‌ماندند که سال‌های خدمت را یکی پس از دیگری بگذرانند. این

وضعیت ژنرال‌ها را خشنود می‌کرد، زیرا در این زمان روم در مکان‌هایی دور مانند یونان و اسپانیا دست به جنگ زده بود (برای اطمینان از این‌که ارتش هر سال به یک منطقه جنگی برسد، آغاز فصل جنگ به اول هر سال یعنی ماه ژانویه برگشت که هنوز هم باقی مانده است). پس از گذشت دو دهه اشکالی پیش آمد، این‌که سربازان دیگر برای خدمت پیر شده بودند و این مسئله غیرطبیعی نبود که برای دریافت حقوق بازنشستگی چشمشان به دست دولت باشد.

من اسپوریوس لیگوستینوس هستم، از طایفه کروتومینا، از نژاد سابین. پدرم برای من نیم جریب زمین و یک کلبه باقی گذاشت که در آن متولد شدم و پرورش یافتم. هنوز هم در همان‌جا زندگی می‌کنم... من ۲۲ سال تمام در ارتش خدمت کرده‌ام و اکنون سنم از پنجاه سال گذشته است. ولی حتی اگر خدمتم را به پایان نرسانده بودم و حتی اگر سنم مرا از خدمت معاف نمی‌کرد، شایسته بود که مرخصم کنند.

لیوی، تاریخ روم، ۴۲، ۳۴

هشتاد سال پیش از میلاد

در این هنگام «دولت» به معنای کنسول‌ها بود، که قوانین لازم را وضع می‌کردند، و از آن‌جا که کنسول‌ها مدیون ژنرال‌ها می‌شدند — یا بودند —، ژنرال‌هایی که به تازگی دست به یک لشکرکشی موفقیت‌آمیز زده بودند، سربازان برای فراهم شدن مقدمات شغل بعد از خدمت ارتشی خود چشم به ژنرال‌هایشان می‌دوختند. همان‌قدر که زندگی سیاسی در ایتالیا روز به روز دشوارتر می‌شد، ژنرال‌ها نیز روز به روز اهمیت بیش‌تری پیدا

می‌کردند. با بروز خطر جنگ داخلی، سیاستمداران به سرعت این بصیرت را یافتند که عده بسیاری را که به تازگی بی‌کار شده بودند و در عین حال تجربیات فراوانی در امور دشوار جنگ و جنگاوری داشتند [سربازان از جنگ برگشته] نرنجاند. ژنرال‌هایی مانند سولا و پومپیوس مهم‌ترین کار خود را این دانستند که کهنه‌سربازان را بازنشسته کنند، بدین قرار که به هر یک قطعه زمین مناسبی بدهند، که این کار فایده دیگری هم داشت و آن این بود که حق‌شناسی کهنه‌سربازان خود را نیز کسب می‌کردند. و بدین ترتیب اگر لازم می‌شد، این کهنه‌سربازان مشتاقانه آماده بودند تا بار دیگر شمشیر خود را به دست گیرند تا محبت ژنرال‌ها را جبران کرده باشند.

او [اوکتاویان] هنگامی که بیست‌ساله بود، مقام کنسولی را به چنگ آورد. وی لژیون خود را به صورت تهدیدآمیزی در جوار شهر [رم] مستقر کرد، و سپس قاصدهایی را به نام ارتش جهت تقاضا برای دریافت مقام کنسولی برای شخص خودش روانه شهر کرد. هنگامی که مجلس سنا در پاسخ به این تقاضا تردید نشان داد، فرمانده فرستادگان که درجه کنتوریون داشت و کورنلیوس خوانده می‌شد بی‌درنگ شنل خود را کنار زد و قبضه شمشیر خود را آشکار کرد. سپس به سنا پیام فرستاد: «اگر شما او را کنسول نکنید، این او را کنسول خواهد کرد.»

سوئونیوس، زندگی آوگوستوس، ۲۶

۳۱ سال پیش از میلاد

مابین سال‌های ۴۹ تا ۳۱ پیش از میلاد، به مدت هجده سال، بحران سیاسی در روم به اوج خود رسید، این زمانی بود که سپاهیان پومپیوس با سپاهیان قیصر می‌جنگیدند، و پس از آن اوکتاویان (که بعدها آوگوستوس خوانده شد) با مارک آنتونی به جنگ پرداخت. (برای اطلاع از جزئیات اتحاد

سه گانه و رقابت آمیز رومی مشهور به جنگ های داخلی، مطالعه تاریخ های آبیان توصیه می شود.) تخمین زده می شود که در خلال این هجده سال کشمکش داخلی، تقریباً نیم میلیون نفر به ارتش فرا خوانده شده بودند. حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که حدود نیمی از رقم یادشده کشته یا بازنشسته شده یا ترک خدمت کرده باشند، حدود شصت تن در لژیون باقی ماندند. بجز سربازانی که در سایر نقاط امپراتوری مشغول انجام وظیفه بودند، ۴۷ لژیون در سال ۳۱ پیش از میلاد در جنگ آکتیوم از جنگ های داخلی شرکت داشتند. این جا بود که اوکتاویان علیه مارک آنتونی و کلئوپاترا برای تصاحب دنیای شناخته شده جنگید. هنگامی که شعله ها خاموش شد، آخرین فردی که پابرجا ایستاده بود اوکتاویان بود که با اضافه کردن نیروهای آنتونی به نیروهای خود، صاحب بزرگ ترین ارتشی شد که جهان تا آن روز می شناخت.



یک سکه نقره دناریوس از آن مارک آنتونی که اندکی پیش از وقوع جنگ آکتیوم ضرب شده است. در این سکه به طور دقیق شکل یک کشتی جنگی سه ردیف پارویی آماده جنگ دیده می شود. هرچند در جنگ آکتیوم بیش از هر جنگ دیگری در تاریخ روم لژیون های رومی شرکت کرده بودند، بسیاری از سربازان صرفاً تماشاچی بودند، در حالی که سرنوشت امپراتوری روم در همان حال در دریا رقم می خورد.

نحوه سازماندهی آگوستوس

با همه امتیازاتی که یک ارتش بسیار بزرگ داشت، یک ایراد حل نشدنی نیز در میان بود: دولت روم از عهده آن برنمی آمد. حتی همین امروز پس از گذشت بیش از یکصد سال، نگهداری ارتش سنگین ترین بار بر دوش

خزانه‌داری است — در حقیقت این هزینه به اضافه هزینه‌های عمرانی مانند احداث جاده‌ها (که غالباً خود نیروهای ارتش آن را می‌ساختند)، بیش از تمام هزینه‌هایی است که جمعاً دولت باید بپردازد. اوکتاویان مجبور بود به سرعت از ابعاد ارتش بکاهد، و حدود یکصد هزار نفر یا بیش‌تر از سربازان خود را به گونه‌ای که باعث رنجششان نشود کنار نهد.

راه‌حل همان راه‌حل خاص زیرک‌ترین سیاستمداران رومی بود. اوکتاویان فردی مصمم، بی‌رحم و کارآمد بود. وی به‌سادگی زمین‌های مرفهان ایتالیا را گرفت و تسلیم سربازان سابق کرد. با این کار ایتالیایی‌ها به‌شدت نگران شدند، ولی از آن‌جا که غصب‌کنندگان زمین‌ها افراد سابق ارتش بودند، عاقلانه نبود که صاحبان اولیه زمین‌ها با شدت تمام اعتراض کنند. هوراس، سربازی که بعدها شاعر شد (صفحه ۱۰)، در اشعار اولیه‌اش با شکوه‌ای تلخ از رنج‌هایی یاد کرده است که بر اثر توافق بر سر این موضوع در میهنش به وجود آمده بود. اما او نیز مانند بسیاری از افراد دیگر به‌تدریج به یکی از موافقان حکومت تبدیل شد و این به سبب منفعتی بود که با شکل‌گیری صلح در امپراتوری مشاهده می‌شد.

این موضوع در عین حال به بسیاری از سربازانی که مشتاق رفتن به خانه‌هایشان بودند کمک کرد. از همه این‌ها گذشته، فتح مصر به اوکتاویان این امکان را داد که به سربازانی که مایل به گرفتن زمین، چه در داخل ایتالیا و چه در مستعمراتی که دولت امپراتوری در خارج فتح کرده بود، نبودند پول نقد بپردازد. لژیون‌های روم از ۶۰ لژیون مسلح در حال خدمت به ۲۸ لژیون، به بهای صدها میلیون سِستِرس^۱،^۱ تقلیل یافت، ولی پرداخت این هزینه ظرف مدت بسیار طولانی‌ای صورت گرفت.

در سال ششم میلادی، موضوع سازماندهی سربازان پس از بازنشستگی

۱. sesterc: سکه نقره و واحد پول روم. — م.